



## نقش امنیت ملی در سلامت جامعه اسلامی از منظر فقه شیعه

پدیدآورنده (ها) : معظمی گودرزی، محمدباقر

میان رشته ای :: نشریه آفاق علوم انسانی :: بهمن ۱۴۰۲ - شماره ۸۲ (جلد چهارم)

صفحات : از ۷۳ تا ۸۳

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/2131647>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۴/۰۷/۱۷

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- کاوشی در برخی مفاهیم مغل امنیت ملی و آسایش عمومی از منظر فقه اسلامی
- نقش آفرینی چین در نظام جهانی آینده از منظر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران
- نقش سازمان‌های اطلاعاتی- امنیتی جمهوری اسلامی ایران در مقابله با نفوذ و تأمین امنیت ملی از منظر مقام معظم رهبری
- امنیت ملی دولت اسلامی از منظر فقه شیعه
- نقش مصلحت در تحول فقه سیاسی شیعه پس از انقلاب اسلامی
- امنیت فرهنگی در جامعه ی اسلامی از منظر نهج البلاغه
- نقش بیمه سلامت در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران
- واکاوی سیاست آمریکا در قبال سوریه از منظر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران
- الگوی جامع فرهنگ قرآنی و تبیین نقش آن در تغییرات فرهنگی جامعه اسلامی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی)
- نقش مواد تراریخته در امنیت بهداشتی روابط زوجین از منظر فقه

## نقش امنیت ملی در سلامت جامعه اسلامی از منظر فقه شیعه

محمدباقر معظمی گودرزی

### چکیده

امنیت ملی در سلامت جامعه اسلامی یک موضوع حیاتی است که در پیشرفت و رفاه اجتماعی تأثیر بسزایی دارد. این مقاله به بررسی نقش امنیت ملی از منظر فقه شیعه می‌پردازد و تأکید دارد که حفظ امنیت، یکی از اولویت‌های اسلام است. نظرات متنوع علمای شیعه درباره امنیت ملی مورد بررسی قرار گرفته و تأکید آنان بر ارتباط مستقیم امنیت با سلامت جامعه بیان شده است.

مفاهیم اسلامی مبنی بر حقوق و وظایف افراد و حکومت در حفظ امنیت، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و تدابیر امنیتی اسلامی برای جلب حفاظت از جامعه مورد بحث واقع شده‌اند. همچنین، تهدیدها و چالش‌های امنیتی در جوامع اسلامی مورد بررسی قرار گرفته و نقش امنیت ملی در مقابله با آنها به تفصیل آنالیز شده است.

با در نظر گرفتن این نکات، مقاله‌نهایی به این نتیجه می‌رسد که حفظ امنیت ملی نه تنها یک وظیفه حکومت است بلکه وظیفه هر فرد از جامعه نیز محسوب می‌شود. تأکید بر این موضوع اثرگذاری چشمگیری در تضمین پیشرفت و سلامت جامعه اسلامی دارد و تدابیر امنیتی به عنوان پایه‌ای برای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی معرفی می‌شوند

**کلیدواژگان:** امنیت ملی، فقه شیعه، حفظ امنیت، حکومت اسلامی

**مقدمه:**

در دنیای امروز با چالش‌ها و تحولات پیچیده، حفظ امنیت ملی به عنوان یکی از مباحث حیاتی در جوامع اسلامی مطرح می‌شود. امنیت ملی نه تنها نقش حائز اهمیتی در حفظ استقرار و پایداری کشورها دارد بلکه به عنوان یکی از ارکان اساسی توسعه و سلامت جامعه نیز به‌شمار می‌آید. در این راستا، نگاه به امنیت ملی از منظر فقه شیعه، باز شدن دیدگاه‌ها و نظرات گوناگون علمای شیعه در این زمینه را میسر می‌سازد.

مقاله حاضر با هدف بررسی نقش امنیت ملی در سلامت جامعه اسلامی از منظر فقه شیعه تدوین شده است. ابتدا به مفاهیم اساسی امنیت ملی و سلامت جامعه اسلامی پرداخته و سپس به نظرات متعدد و تنوع آراء علمای شیعه درباره اهمیت حفظ امنیت پرداخته می‌شود.

تحلیل حقوق و وظایف افراد و حکومت در حفظ امنیت از منظر اسلام و فقه شیعه نیز مورد توجه قرار گرفته و تدابیر امنیتی اسلامی به عنوان پایه‌های ایجاد تعادل و سلامت در جامعه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در این سیاق، تهدیدها و چالش‌هایی که جوامع اسلامی را تهدید می‌کنند، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و نقش امنیت ملی در مقابله با این تهدیدات برجسته شده است.

با استناد به این نقاط، مقاله‌نهایی به نتیجه می‌رسد که حفظ امنیت ملی نه تنها یک وظیفه حکومت است بلکه به عنوان وظیفه هر انسان از جامعه نیز محسوب می‌شود. امنیت ملی نقش محوری در تضمین پیشرفت اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی جامعه اسلامی ایفا می‌کند و تدابیر امنیتی از مبانی اساسی توسعه پایدار در این جوامع معرفی می‌شوند.

در عصر امروز، جوامع اسلامی با تحولات پویا و چالش‌های چندگانه روبرو هستند که نیازمند بهره‌گیری از دیدگاه اسلامی و فقه شیعه برای تدارک امنیت ملی و توسعه پایدار هستند. تأکید اسلام بر اهمیت حفظ امنیت به منزله حق مشروع هر فرد و جامعه، مسئولیت گرفتن از امنیت ملی را به یکی از اولین وظایف انسان‌ها تبدیل می‌کند.

تدابیر امنیتی اسلامی، علاوه بر حفظ امنیت فیزیکی، توجه به امنیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را نیز دربرمی‌گیرد. حقوق و وظایف اسلامی در این زمینه تعیین کننده است و نقش فرد، خانواده و حکومت در حفظ امنیت ملی را تعیین می‌کند.

در این راه، بررسی تهدیدات و چالش‌های امنیتی در جوامع اسلامی ضروری است. نظام امنیت ملی باید به گونه‌ای طراحی شود که بتواند با تهدیدات مختلفی که از ابعاد مختلف جامعه پدید می‌آیند، مقابله کند. این ابعاد می‌توانند از تهدیدات اقتصادی و اجتماعی گرفته تا تهدیدات سایبری و فناوری باشند.

در پایان، تأکید می‌شود که امنیت ملی در جامعه اسلامی نه تنها به حفظ منافع کشوری محدود نمی‌شود، بلکه به عنوان یک پیشنیاز برای رشد و پیشرفت جامعه در تمام ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باید مد نظر قرار گیرد. این ارتباط نقش بنیادی در تضمین آینده روشن و پایدار جوامع اسلامی ایفا می‌کند.

با توجه به پویایی جهان امروز و تغییرات سریع در علوم و فناوری، اهمیت امنیت ملی در سلامت جامعه اسلامی به‌ویژه زمانی بیشتر می‌شود که تأثیرات یکدیگر از مرزهای ملی فراتر می‌رود. در این راستا، تفکرات و اقدامات مبتنی بر اصول اسلامی می‌تواند یک راهنمای موثر برای تدوین سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های امنیتی باشد.

برخورد با چالش‌های امنیتی به ویژه در زمینه‌های سایبری و فناوری اطلاعات، نیازمند همکاری فعال بین نهادهای دولتی، مردمی و دینی است. تعامل بین علمای شیعه و نخبگان جامعه با حوزه‌های مختلف امنیت، نقش مهمی در ایجاد یک تئوری امنیتی اسلامی و تطبیق آن با رویدادهای معاصر ایفا می‌کند. ضرورت تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های امنیتی اسلامی با رویکرد پویا و انعطاف‌پذیری اجتناب‌ناپذیر است. این برنامه‌ها باید به‌گونه‌ای باشند که هم آینده‌پژوه باشند و هم قابلیت سازگاری با تحولات جهانی را داشته باشند.

به عبارت دیگر، امنیت ملی در سلامت جامعه اسلامی نیازمند هماهنگی مستمر، تعامل فعال و همکاری گسترده میان نهادهای مختلف است. تأکید بر ارزش‌های اخلاقی و انسانی در تدوین و اجرای سیاست‌های امنیتی، این امکان را فراهم می‌سازد که امنیت ملی به یک مفهوم جامعه‌محور و منطبق با اصول اسلامی تبدیل شود و بتواند از جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی حمایت کند.

#### امنیت

ریشه امنیت در لغت از امن، استیمان، ایمان و ایمنی است که به مفهوم اطمینان و آرامش است که به مفهوم اطمینان و آرامش است. این عبارت، ضد ترس و نقیض آن است. در لغت به معنای فراغت از خطر و هر گونه حمله، تهدید و یا آمادگی برای حمله یا تهدیدی را گویند (آشوری داریوش، ۱۳۷۶، ص ۳۸). راغب لغت‌شناس برجسته قرآن کریم در تعریف امنیت آورده است: اصل امنیت، طمأنینه و آرامش نفس و از میان رفتن ترس و خوف است. امن و امانت و امان در اصل مصدر هستند و به حالت و وضعی اطلاق می‌گردد که انسان در آرامش باشد. گاه نیز بر چیزهایی اطلاق می‌شود که انسان بر آن امانت دار و امین است. در حقیقت امنیت یک معنای نسبی دارد و بسته به وضع و شاخصهای مربوط به آن است و به نوعی مترادف با ایجاد فرصت برای استفاده از ظرفیت‌ها و کاهش آسیب‌ها و تهدیدها و خطرات برای فرد، خانواده، جامعه، ملت و کشور است و شامل ثبات و امنیت اقتصادی، قضایی و حقوقی، فرهنگی، اخلاقی و اجتماعی، سیاسی و نظامی می‌شود. امنیت یک مفهوم وسیع، متوازن و عمیق دارد و شامل تمامی ابعاد زندگی و حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی، داخلی و خارجی می‌شود. امنیت وسیله و زمینه برای اهداف متعالی انسانی و وصول به درجات قرب و کمال و استفاده مطلوب از فرصت‌هاست.

یک نگاه به متون دینی و احکام و مقررات اسلامی کافی است که هم به اهمیت امنیت در همه‌ی عرصه‌ها از دیدگاه اسلام و هم راه‌حلهایی که اسلام برای تحقق بخشیدن به امنیت در جامعه‌ی اسلامی داده است، پی ببریم. در اسلام همانگونه که برخی از اماکن، اماکن امن به حساب آمده است، برخی از ماهها و زمانها نیز

زمانهای امن به حساب آمده است. ماههای چهارگانه حرام (رجب، ذیقعد، ذیحجه و محرم) که اسلام بر حرمت آن تأکید جدی دارد نشانه‌ی اهمیت و امنیت در نگاه اسلام است. در قرآن کریم آمده است:

۳۶ إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ

۳۷ إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضِلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُحِلُّونَهُ عَامًا وَيُحَرِّمُونَهُ عَامًا لِيُؤْاطُوا عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فَيُحِلُّوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ زَيْنٌ لَهُمْ سَوْءَ أَعْمَالِهِمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (توبه- ۳۶/۳۷)

یعنی همانا عدد ماهها در نزد خدا در کتاب خدا از آن روزی که خداوند آسمان و زمین را بیافرید دوازده ماه است. از آن دوازده ماه، چهار ماه، ماههای حرام است. این است دستور دین استوار و محکم. پس در آن ماهها در حق خود ظلم (جنگ و خونریزی) نکنید...؛ نسئ (تغییر و تبدیل و جایجایی ماه حرام با ماه دیگر) افزایش کفر است که با آن کافران گمراه می‌شوند، سالی ماه حرام را حلال می‌شمارند و سالی دیگر حرام، تا بدین وسیله عده‌ی ماههایی که خدا آنرا حرام کرده را پایمال کنند و حرام خدا را حلال گردانند...

۲ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحِلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْأَقْلَادَ وَلَا آمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ أَنْ صَدَّوْكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (مائده ۲/۲)؛ یعنی ای اهل ایمان حرمت شعائر (مناسک حج) و ماه حرام را نگه دارید.

### امنیت نبوی

گفتمان امنیتی پیامبر اسلام در ابعاد و سطوح مختلف آن یکی از نیازها و مطالبات عمده و اساسی بشریت حاضر و مخصوصاً جهان اسلام و دراین واکاوی ایران اسلامی است و نیاز به آن در موارد مختلف چون عوامل تأمین امنیت اقتصادی، روانی، فرهنگی، قضایی، حقوقی، زیستمحیطی، اخلاقی، سیاسی و نیز راهکارهای جلوگیری از نا امنیها و عوامل بر هم زنده‌ی آنها در سیره‌ی پیامبر اکرم(ص) است. با عنایت به اسوه بودن سیره‌ی اجتماعی و فردی پیامبر اعظم، تبیین سیره‌ی امنیتی آن حضرت میتواند در راستای تأمین امنیت بشری در ابعاد مختلف آن، مؤثر و راهگشا باشد. در سیره‌ی امنیتی پیامبر اعظم (ص) (تهدیدات اصلی امنیت انسان و جامعه‌ی انسانی، تهدیدات درونی است. از اینرو در موضوع امنیت فردی «موانع درونی کمال» جزء تهدیدها و خطرات است و در حوزه‌ی اجتماعی، «ظلم به دیگران» و به تعبیر دیگر، استبداد و تجاوز به حقوق دیگران. به همین دلیل است که اصطلاح «جهاد اکبر» و «جهاد اصغر» در فرمایش پیامبر اسلام برای تأمین امنیت فردی و جمعی اطلاق شده است. پرهیز از جنگ و خشونت و صلحطلبی در برخورد با مخالفان، عمق دادن معنایی به هویت اسلامی، اصل اخوت به جای دشمنی، همگرایی و وحدت، نبرد با جنگ طلبان و منافقین، پرهیز از استبداد و ستم، ظلم ستیزی، وفاداری به تعهدات و توافقیها و برخورد با پیمان شکنان، التزام داشتن و تعهد به قوانین الهی، تساهل و تسامح توأم با جدیت و قاطعیت، بر قراری عدل و قسط، رسیدگی به فقرا و محرومان، ترویج انفاق و ایثار... از اهم و رئوس اصولی است که در تأمین امنیت، مورد

توجه پیامبر(ص) قرار داشتند. پیامبر گرامی اسلام در آغاز رسالت خویش، میان ایمان به خداوند و رستگاری، که امنیت نیز یکی از مشتقات آن است، ارتباط برقرار کرد قولوا لا إله إلا الله، تفلحوا! ای مردم! بگویید: «لا إله إلا الله» تا رستگار شوید؛ و در تمام دوران مکه و مدینه نیز بر دین اسلام و توحید به عنوان مرجع امنیت تأکید میکرد. (حسین درجانی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۸)

## امنیت علوی

ارکان امنیت از منظر امیر مؤمنان علی(ع) را میتوان در غالب گفتمان علوی و به صورت موجز در این ابعاد جستجو کرد: وحدت در مسائل سیاسی و اجتماعی جهاد و آمادگی دفاعی عمومی ایمان و تقوای مردمی مامشات و تسامح و تساهل همه ی گروهها قانون مداری امر به معروف و نهی از منکر (ناظمزاده قمی ۱۳۸۷)، اقدامات امنیتی حضرت امام علی بن ابیطالب(ع) در اثنای حکومت خبرگیری از دشمن نظارت بر کارگزاران حفظ اسرار نظامی اقدامات نظامی اقدام پیشگیرانه گزینش سپاهیان توجه به امنیت داخلی پیش از جنگ اقدامات سیاسی انتخاب کوفه به عنوان پایتخت مذاکره و نامه نگاری (همان، ۱۳۸۷)

به دلیل نهادینه شدن رویکرد قدرت محور در شبکه ی روابط دولت- مردم، حضرت علی علیه السلام پس از تصدی حکومت، در فرازهای مختلف مردم را نسبت به نفی ارزش استقلالی قدرت متذکر میشوند. همین معنا را در خطبه ی «شقشقیه» خطاب به مردم دارند؛ آنجا که امر الهی، اقبال مردمی و اتمام حجت الهی به واسطه ی حضور یاران را دلیل پذیرش قدرت میدانند تا از آن برای یاری مظلوم و سرکوب ظالم بهره برند؛ و در غیر آن تصریح میکنند که قدرت بی ارزش ترین چیز در دنیا خواهد بود (نهج البلاغه، خطبه ۱۱، ۳)

اصلاح چارچوب دینی و اولویت عدالت بر امنیت. عدالت نزد حضرت(ع) محور اصلی سیاست و ارزش جامعه به شمار میآید که بر چهار رکن معرفت، دانش عمل و استواری قرار دارد. «عدالت» با این روایت چونان «سپری» است که صاحبان حکومت را از تعرض دیگران مصون میدارد و هیچ عامل اطمینان بخشی را نمیتوان سراغ گرفت که همچون عدالت ورزی بتواند در ایجاد امنیت برای همگان کارساز باشد (علیخانی، علی اکبر ۱۳۸۱، ۱۰، ۶۰). با این حال حضرت علی علیه السلام منکر این واقعیت نبود که اجرای این پروژه امری ساده نبوده و مخالفت های بسیاری را به دلیل وجود ضعف در یکی از چهار رکن بالا نزد مردم و نخبگان شاهد خواهد بود. اما حضرت چون تصدی امور را به دست گرفت، گام در طریق اجرای عدالت گذارد؛ و در این مسیر- چنانکه پیامبر اکرم(ص) پیش از این گفته بودند- با استواری تمام و بدون ملاحظه مخالفت های احتمالی در مقابل اجرای عدالت به پیش رفت تا آنجا که رانت خواران، گروه های ذی نفوذ و حتی گروه هایی از مردم برآشفتنند و بنای اعتراض و آشوب و اقدام به براندازی حکومت را گذارند. اما حضرت(ع) حاضر به هزینه کرد «عدالت» برای کسب «مقبولیت» نشدند و در چنین فضایی است که «اقدام نظامی» برای تأمین امنیت جامعه ی اسلامی موضوعیت می یابد (همان ۱۰-۶) بسیاری از تحولات امنیتی دوران حکومت حضرت را میتوان در چارچوب این سیاست ارزیابی نمود. حکومت علوی اگرچه زمان زیادی دوام نیاورد؛ اما به الگوی عملی از مدیریت اسلامی تبدیل شد که تا به امروز نویسندگان، فعالان سیاسی و دولتمردان

بسیاری بدان استناد و رجوع مینمایند. الگوی علوی با تأکید همزمان به دو سیاست «شرعی سازی» و «قدرت زدایی» از امنیت، در واقع به احیای ابعادی از گفتمان اسلامی امنیت پرداخت که با رحلت رسول خدا به فراموشی سپرده شده بود.

### امنیت مهدوی

بنابر روایات، بشر در دوران حیات زمینی خود، تا قیام قائم آل محمد(عج)، اسیر پراکندگی، دشمنی و جنگ خواهد بود. این دوران که میتوان آنرا دوران پراکندگی، نابرابری و ناامنی نامید، با ختم شدن به ظهور مهدی موعود و طلوع خورشید عدالت و امنیت، فرجامی خوش خواهد یافت. بنا به آیه ۵۵ سوره نور، پارسایان، به رهبری امام عصر(عج) خلیفه ی خدا شوند و دین حاکم گردد. در این صورت، بنا به وعده ی الهی، امنیت جای ترس را میگیرد و بندگان خدا به خشنودی و خوشبختی حقیقی دست خواهند یافت. اثر این عدالت و امنیت فراگیر، چنان است که طبیعت نیز بر سر مهر خواهد آمد و با پیشه کردن عدالت، همه ی گنجهای خود را برای انسان رو خواهد کرد. حکومت جهان شمول و عدالت گستر و امنیت محور حضرت مهدی، نه تنها شامل مسلمانان و غیرمسلمانان و اقلیتهای گوناگون میشود، بلکه حتی بدکاران آنها را هم در برمیگیرد. البته از روایات چنین برمیآید که حسنات و جاذبه ی حضرت مهدی و نهضت عدالت گستر او باعث جهان شمولی دیانت اسلام و اصلاح بدکاران و روی آوری تمام مردم جهان به اسلام خواهد شد. یکی از شواهد اثبات این مدعا روایاتی است از امام صادق(ع)؛ از ایشان درباره ی تفسیر آیه هشتاد و سوم سوره ی آل عمران که میفرماید: «با آنکه هر که در آسمانها و زمین است خواه و ناخواه سر به فرمان او نهاده است» (آل عمران ۸۳) پرسش شده است. امام(ع) در پاسخ اظهار میدارند که این آیه درباره ی زمان قیام قائم(ع) است که در آن هنگام در کرهی خاکی، جایی باقی نماند مگر آنکه در آن ندای شهادتین (لا اله الا الله و محمد رسول الله) شنیده شود (میزان الحکمه ۲۹۴) در عصر حکومت مهدی، همه ی مردم از امنیت و عدالت فراگیری برخوردار خواهند بود و عدالت در بیشترین حد و به صورت کامل و تمام اجرا میشود. در آن هنگام استیفای حقوق به صورت قطعی صورت خواهد گرفت و در قضاوتها و محاکم، دیگر امکان هیچ خطا و اشتباهی پیش نخواهد آمد. زیرا امام(ع) خود میان مردم زندگی میکند و بر آنها حکومت و قضاوت خواهد کرد. قضاوتی که بدون نیاز به بینه و آماره صورت میگیرد و این حکومت و قضاوت متکی به الهام الهی و بر همین مبنا متکی بر علم امام است. بدین ترتیب امام(ع) از مردم درخواست بینه و شاهد نمیکند و به مانند داوود و سلیمان حکم واحدی مینماید (بحارالانوار، ج ۱۴، روایت ۲۳، باب ۱: ۱۴)؛ بر همین مبنا، عدالت و ادای حقوق به صاحبان آن به شکل قطعی صورت پذیرفته و کاملاً و بدون هیچ شبه و خطایی انجام میگردد. از دیگر نشانه ها و شاخصه های مهدوی که موجب پدید آمدن امنیت، آرامش و ثبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی میگردد، تقسیم درست و برابر و مبتنی بر استحقاق بیت المال و اموال مشترک عمومی است. همچنانکه امام باقر(ع) میفرماید: وقتی قائم اهل بیت قیام کند، [بیت المال] را با مساوات تقسیم میکند و



نسبت به شهروندان عدل می ورزد. پس هر کس او را اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده است و سرکشی نسبت به او همانند سرکشی و گناه نسبت به خدا است. (بحارالانوار، ج ۵۲، روایت ۱۰۳، باب ۲۷: ۳۵۰).

### امنیت از دیدگاه امام صادق

امام جعفر صادق (علیه السلام) شخصیتی قرآنی است که دیدگاه ها و نظریات او برگرفته از قرآن و شارح آن یعنی سنت می باشد. نگاه او به هر قضیه ای، از جمله امنیت، همچون نگاه قرآن و سنت است. همانگونه که قرآن و سنت همه ی افراد جامعه را نسبت به همدیگر صاحب حق میدانند او نیز بر این باور بوده و برای برپایی این حقوق، تمامی سعی و تلاش خود را به کار گرفته است. امام صادق (ع) در حدیثی بیان میدارند: **ثَلَاثَةٌ يَحْتَاجُ إِلَيْهَا النَّاسُ طَرَأًا، الْأَمْنُ وَالْعَدْلُ وَالْخَصْبُ** (سه چیز است که همه ی مردم به آنها نیازمندند: امنیت، عدالت و آسایش و فراخ حالی) (سایت لقمان، ۱۳۸۸) همانطور که مشاهده میشود تأکید امام بر مقوله ی امنیت اهمیت و ضرورت آنرا بیش از پیش نشان میدهد.

### موارد امنیت

قرآن هرگاه از امنیت سخن می گوید بی درنگ از شاخص های توسعه، نظیر فراوانی تولید کالاها، گسترش ارتباطات، پیشرفت علوم و فنون، مسکن، شهرسازی، آسایش و رفاه، رهایی از غم و اندوه، خوف و ترس و وحشت سخن به میان می آورد. می توان گفت در فرهنگ قرآن، امنیت از یک مفهوم وسیع و در برگیرنده، متوازن و عمیقی برخوردار است که شامل تمام حوزه های زندگی انسان مادی و معنوی، فردی و اجتماعی، داخلی و خارجی، سیاسی و اقتصادی میشود. امنیت در مفهوم قرآنی آن در سایه تقوا، توکل، احترام به حقوق دیگران، اجرای قسط و عدالت، برابری و برادری، دفاع و حمایت از مظلوم و محروم، برخورد با مفسد و مجرم، دفع فقر و مسکنت، تأمین معیشت و رفاه، حفظ آزادی های مشروع مردم و حاکمیت معیارهای انسانی و الهی امکان پذیر است.

امنیت از مقوله هایی است که در عین سادگی، روانی و روشنی که به ذهن می رسد، اختلاف آراء و انظار در آن به روشنی مشهود است. باید دانست که موضوع امنیت از جمله موضوعاتی است که دارای اقسام گوناگون و متنوعی می باشد و صاحب نظران برای آن انواعی را قایل شده اند که از آن جمله میتوان به امنیت شغلی، امنیت سیاسی، امنیت اقتصادی، امنیت فرهنگی، امنیت داخلی و خارجی، امنیت مادی و معنوی اشاره کرد که هر یک مقوله ای جداگانه بوده و در جایگاه خود نیازمند بررسی هستند. ام در یک تقسیم بندی کلی میشود امنیت را به سه نوع تقسیم کرد (عطایی محمد آصف ۱۳۹۲)

### امنیت روحی و روانی

از میان مباحث امنیت روانی یکی از مهم ترین و در عین حال اساسی ترین موضوعات زندگی انسان ها است که تأمین و توجه به آن ضرورتی اجتناب ناپذیر است. همانگونه که انسان موجود پیچیده و شگرفی است امنیت وی نیز از پیچیدگی خاص و شگرفی برخوردار است این مسئله به ویژه در بخش امنیت روانی خود را بیش از پیش نشان می دهد؛ زیرا روان آدمی تحت تأثیر همه علل و عوامل درونی و بیرونی واکنش

نشان می‌دهد از این رو در بهداشت و سلامت روانی شخص و یا اجتماع باید به همه علل و عوامل توجه خاص شود.

دین اسلام به رابطه انسان با خدا رابطه انسان با انسان و روابط انسان با طبیعت توجه دارد و برای تمام حوزه های زندگی برنامه دارد و برای تمام آنها برنامه آموزه های دستوری و ارشادی دارد.

امنیت دارای دسته بندی های مختلف است که این شاخه ها و حوزه های امنیت با یکدیگر پیوند عمیق و ناگسستی دارد چنان که اگر پایه های امنیت معنوی سست و بی بنیاد شود به سایر حوزه های امنیتی به شدت تأثیر می گذارد. اگر امنیت اجتماعی و سیاسی آسیب ببیند دیگر حوزه های امنیت مانند فرهنگی اقتصادی و معنوی نیز در معرض خطر و آسیب پذیری جدی و حتمی قرار می گیرد.

جامعه سالم پیش از آنکه به آسایش نیاز داشته باشد به امنیت روانی نیازمند است؛ زیرا در سایه امنیت و آرامش است که هر کار خرد و کلان شدنی و دست یافتنی است. از اینرو دغدغه امنیت در همه شاخه های آن به ویژه امنیت روانی و آرامش جمعی مهمترین مسئولیت دولتها و خواسته ملتها و جوامع به شمار می رود هرگونه تهدیدی نسبت به امنیت روانی جامعه به معنا و مفهوم تهدید سلامت جامعه و نابودی و متلاشی شدن همگرایی و انسجام و در نهایت اساس انسانیت است زیرا انسان پیش از آنکه به غذا توجه داشته باشد نیازمند امنیت روانی است. به یک معنا انسان ممکن است برای رهایی از گرسنگی و تشنگی به خطر تن دهد و امنیت جانی و مالی خویش را در معرض خطر قرار دهد ولی سلب امنیت روانی به حذف انسانیت می انجامد دشمنان هر جامعه ای به سبب آگاهی از ارزش و اهمیت امنیت روانی جامعه می کوشند تا به تخریب آن دست یازند و با ایجاد بحرانهای گوناگون بستر مناسبی برای فروپاشی جامعه فراهم آورند

دین اسلام امنیت و آرامش فردی و اجتماعی را بر پایه اساس استواری پی ریزی نموده و از آرامش وجدان و درون افراد آغاز می نماید فرد در ساختمان جامعه به عنوان اساس و سنگ زیرین آن است. از این رو افراد جامعه اگر وجدان و روح و روانشان از آرامش کامل برخوردار بوده و روحاً دلهره و نگرانی نداشته باشند امکان تلاش و فعالیت در جهت ایجاد و ارتقای امنیت فردی و اجتماعی وجود دارد ولی اگر وجدان افراد از آرامش و آسایش لازم، محروم بوده و انسان از نظر روحی و روانی نگرانی داشته و پناهگاهی نداشته باشد امنیت در چنین محیطی وجود نخواهد داشت.

### امنیت فردی

امنیت فردی عبارتند از حالتی که فرد از لحاظ جسمی و روحی در آن فارغ از ترس و آسیب بر جان و مال و آبروی خود زندگی کند در اندیشه اسلامی امنیت فردی را باید در سایه تقوا و اطمینان و رعایت حدود الهی و ایمان جستجو کرد. خداوند انسان را اجتماعی خلق کرده و مانند سایر حیوانات تابع غریزه و طبیعت خلق نکرده و او را با انذار و تبشیر و امر و نهی هدایت کرده و برعکس موجودات دیگر خود انسان است که با اختیار و انتخاب سرنوشت خویش را رقم میزند و در این انتخاب مسئول است. قرآن برای ایجاد امنیت و حفظ جان انسان ها توجه خاصی داشته و آیات زیادی از قرآن در باب حفظ جان و خون انسان ها توجه و

اهتمام می ورزد تا انسان با خیال راحت و احساس امنیت کامل در اجتماع و محیط سالم برای تکامل خویش تلاش کند.

### امنیت اجتماعی

یکی دیگر از حوزه های امنیت انسانی امنیت اجتماعی است. امنیت فردی و اجتماعی در ارتباط تنگاتنگ با هم هستند و امنیت فردی زیر بنای امنیت اجتماعی است. امنیت اجتماعی عبارت است از ایجاد شرایط و موقعیتی که بر اساس آن همه افراد جامعه در انجام فعالیت های مشروع و قانونی خود آزادی کامل داشته و از امکانات جامعه یکسان برخوردار باشند و همه افراد در موقعیت برابر قرار گیرند. عوامل موثر در امنیت اجتماعی عبارتند از: عدالت و مساوات و آزادی در تمام شئون زندگی انسان از قبیل سیاسی و فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی، که فقدان هر کدام به تنهایی در ناامنی اجتماعی موثر است. اگر ناامنی ایجاد شود اقتصاد فرو میبافت و حوزه فرهنگی گرفتار سکون میشود و فرهیختگان به جای تبادل آزاد اندیشه و تضارب آرا و افکار به کتمان و تقیه روی می آورند و انسان های بی شخصیت و مسموم مدیران جامعه میشوند دین اسلام برای ایجاد وضعیت مطلوب اصول و قوانین را مطرح می سازد تا در سایه سار آن امنیت و آرامش اجتماعی فراهم آید تا قانون شکنان نظم و امنیت عمومی را مختل نساخته و اجتماع انسانی را با فروپاشی روبه رو نسازند. باید توجه داشت که برای ایجاد امنیت و پاسداری از حریم جامعه اندیشه و انگیزه های ذاتی به تنهایی کفایت نمی کند بلکه نیازمند قانون است چون انسان هر چند که به حسب فطرتش اجتماعی است و در اولین اجتماع خود امت واحدی بود ولی از آن جا که فطرتاً به سوی اختصاص منافع به خود حرکت میکنند با منافع دیگران تضاد پیدا می کند و از این جا لازم است که قانون را پدید آورد تا حدود جلب منافع را مشخص سازد و از درگیری پیشگیری نماید.

### نتیجه گیری

از مطالب مطرح شده به بعضی نتایج رسیدیم: مثلاً قدرت محصول اراده همراه با دانایی است قدرت طلبی فطری است و قرآن آنرا سرکوب نمیکند بلکه می پذیرد و شکل می دهد قدرت و امنیت نعمتهای الهی هستند که مکمل و متمم هم هستند، منشا همه قدرتها خداست و اگر قدرت در جهت خدا و دستورات او باشد مقتدر و پایدار خواهد بود. و فهمیدیم که امنیت این عنصر مهم در اسلام دارای ابعاد فردی، اجتماعی و روانی است که هر سه مکمل و متمم هم هستند وزیر بنا امنیت فردی است و بقیه امنیت ها نشأت گرفته از فرد هستند. قرآن صریحاً به این عنصر مهم پرداخته و مصادیق ایجاد ناامنی را برمی شمارد ستم گران منحرفان از راه حق هنجار شکنان متخلفان و جاسوسان، اعتماد کنندگان به دشمن قرآن برهم زندگان امنیت را نکوهش کرده و بدترین مجازاتها را برایشان بر می شمارد و حکومت امن را لازمه جامعه امن میداند و مشخصه هایی برای حاکمان نام می برد که حکومت امن میسازند و همچنین بررسی کردیم که قدرتها از هر نوعی و از هر منشا که باشند اهداف و کارکردهای مشترکی دارند مانند حل و فصل اختلافات جامعه، بازدارندگی برای دشمنان و اولین و مهمترین آنها یعنی امنیت است که بلافاصله پس از رسیدن به قدرت

حاکمیت به دنبال آن است زیرا بدون امنیت اصولاً فضا برای آنکه بتوان به برنامه ریزی پرداخت و به اهداف کوتاه و بلندی که قدرت برای خود در نظر گرفته مهیا نمی باشد. البته نوع نگاه به کارکرد امنیت انواع امنیت و زاویه های گوناگون آن در انواع قدرت ها متفاوت است اما در نگاه اول ایجاد امنیت برای همه امری ضروری و لازم است. مهم آنست که هدف و نقطه پس از ایجاد امنیت کدام است چون پس از ایجاد امنیت و تثبیت هر کدام راه خود را جدا می کنند و به سوی کمال مطلوب خود میروند در قدرت مطلوب و الهی حکومت امنیت برقرار میکند تا انسان را به خلیفه الهی برساند و در جهات این هدف حرکت می کند و امنیت را برای اجرای حدود و احکام الهی و رساندن انسان به کمال است یعنی هدف مقدس اما در قدرتهای مادی و غیر الهی حکومت امنیت را برقرار می کند تا منافع خود و جمع خود را تضمین کند و به راحتی بتواند به استثمار و استعمار و برتری جویی خود ادامه دهد یعنی هدف منفعت مادی و دنیوی فرد است .

از دیدگاه اسلامی یکی از مهم ترین اصول حیات و اساسی ترین شاخصه و شاکله حکومت و نظام سیاسی مقوله نظم و امنیت است و از وظایف دولت اسلامی تأمین امنیت و برقراری نظم و آرامش در مسیر رشد و توسعه جامعه میباشد که با به کارگیری و استخدام ابزار و امکانات متنوع باید به این امر مهم همت گمارد و همچنین جامعه اسلامی نیز وظیفه دارد ولایت ایمان را به ثبوت رسانیده و به منظور پرهیز از بی نظمی و هرج و مرج فریضه حیات بخش امر به معروف و نهی از منکر را اجرا نماید و در بعد بیرونی و خارجی هم باید بازدارندگی ایجاد کند و طوری برخورد کرده و به تجمیع قوا بپردازد که دشمنان حتی فکر خدشه وارد کردن نداشته باشند و جامعه اسلامی مصون باشد.

## منابع:

قرآن کریم

آشوری، دانشنامه سیاسی، تهران، نشر مروارید، ۱۳۷۶

حسین درجانی. حسین. ۱۳۸۹. فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا

شماره پنجم - زمستان ۱۳۸۹ / صص ۱۵۱ - ۱۲۵

سوره ناظمزاده قمی، محمد، سایت باشگاه اندیشه، ۲۰/۶/۱۳۸۷.

نهج البلاغه، خطبه ۱۱، ۳

علیخانی، علی اکبر. توسعه‌ی سیاسی از دیدگاه امام علی(ع)، تهران، سازمان تبلیغات

اسلامی، ج ۲، صص ۶-۱۰. ۱۳۸۶.

میزان الحکمه، ج ۱، روایت ۱۲۴۷. ۲۹۴.

بحار الانوار، ج ۱۴، روایت ۲۳، باب ۱. ۱۴.

بحار الانوار، ج ۵۲، روایت ۱۰۳، باب ۲۷، ص ۳۵۰.

عطایی محمد آصف عوامل ناامنی از دیدگاه قرآن پژوهشگاه علوم و فرهنگ قرآنی، ۱۳۹۲

. <http://loghman.info/forum/index.php/topic,2134.0.html>